



موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک

نویسنده: بهزاد لامعی



ژورنال علمی و مطالعات فریبی

از جمله نهادهایی که بر بسترسازی فعالیتهای اقتصادی نقش بارز و بی چون و چرایی دارد، نهاد دولت است، دولت با استفاده از حق انحصاری خود در وضع قوانین و مقررات آثار زیادی بر روابط و فعالیتهای کارگزاران و بازی گران عرصه اقتصاد دارد.

این ابزار دولت (یعنی قانون گذاری) می تواند نقشی مانند شمشیر دو لبه داشته باشد. اگر درست به کار گرفته شود بسترها و شرایط فعالیت و رقابت در عرصه اقتصادی را تسهیل و مهیا می کند و اگر به نادرستی به کار گرفته شود، می تواند به عنوان مانع برای بازیگران اقتصاد عمل کند.

شواهد موجود و بررسی های انجام شده در زمینه اقتصاد نه تنها بستری مناسب برای فعالیتهای کارآفرینی و تولیدی را فراهم نکرده است، بلکه قوانین و مقررات وضع شده و توسعه صنایع کوچک در اقتصاد ایران عمل کرده است.

شرط اینکه یک بنگاه کوچک بتواند ایجاد و راه اندازی گردد و سپس با اجرای ایده های کارآفرینی فعالیت خود را تداوم بخشد و از این طریق امکان رشد و توسعه را بیابد، فراهم بودن بستری لازم در عرصه اقتصاد کشور است.

از جمله نهادهایی که بر بسترسازی فعالیتهای اقتصادی نقش بارز و بی چون و چرایی دارد، نهاد دولت است.

دولت با استفاده از حق انحصاری خود در وضع قوانین و مقررات آثار زیادی بر روابط و فعالیتهای کارگزاران و بازی گران عرصه اقتصاد دارد.

شرط اینکه یک بنگاه کوچک بتواند ایجاد و راه اندازی گردد و سپس با اجرای ایده های کارآفرینی فعالیت خود را تداوم بخشد و از این طریق امکان رشد و توسعه را بیابد، فراهم بودن بستری لازم در عرصه اقتصاد کشور است.

که زمین تهیه شده با ضوابط جدید متناسب نیست و کاربری صنعتی ندارد.

۲) براساس مقررات موجود، دولت مناطق مختلف کشور را به سه قسمت تقسیم کرده است: فقیر، در حال توسعه و در حال رشد. این تقسیم بندی مبنایی برای حمایت ها و تسهیلات دولت، از جمله اعتبارات ارزان قیمت (وام تبصره ۳)، تخفیف مالیاتی و غیره، از فعالیتهایی است که در این مناطق ایجاد می گردند، اما این اولویت ها بعضا برای یک مدیر صنعت کوچک ایجاد مشکل می نماید.

برخی از مناطق برای طرحهایی از اولویت برخوردارند که از نظر جغرافیایی، اقتصادی و سایر عوامل محیطی برای نوع خاص فعالیت صنعتی مناسب به نظر نمی رسند و یا اگر یک ایده کارآفرینانه فقط قابلیت اجرا در منطقه ای را داشته باشد که جزو مناطق مورد حمایت دولت نباشد، این طرح نه تنها مورد حمایت قرار نمی گیرد، چه بسا از اجرای آن نیز جلوگیری کنند.

۳) از جمله امکانات لازم جهت اجرای هر ایده کارآفرینانه، وجود اطلاعات کامل از بازاری است که محصول جدید قرار است در آن ارایه شود تا براساس تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود پی برد که: آیا ایده واقعا یک ایده کارآفرینانه است یا خیر؟ و آیا امکان اجرا شده دارد؟ و آیا کسانی دیگر در این زمینه اقدام کرده اند؟ و برای پاسخ به چنین سوالاتی به نظر می رسد باید یک پایگاه اطلاعاتی کارا وجود داشته باشد که اطلاعات مورد نیاز مدیران و کارآفرینان را در اختیار آنان بگذارد، اما در شرایط حاضر در اقتصاد ایران، علیرغم اینکه وزارت صنایع متولی فعالیتهای صنعتی کشور و همچنین دادن جواز تاسیس می باشد وقاعدتا باید از اطلاعات به نسبت کاملی برخوردار باشد، فقدان یک پایگاه اطلاعاتی کارا جهت استفاده کارآفرینان به منظور شناخت بازار و محصولات، کاملا محسوس است.

به عبارت دیگر، اگر فردی بخواهد یک فعالیت صنعتی جدید را راه اندازی کند، مکانی را برای پاسخ دادن به سوالات و دریافت کمک و راهنمایی فکری درباره طرح مورد نظرش پیدا نمی کند. البته ممکن است به صورت پراکنده اشخاصی (حقیقی و حقوقی) به عنوان مشاوران صنعتی بتوانند کمک هایی به فرد بکنند، اما فقدان یک پایگاه اطلاعاتی کارا در اقتصاد ایران کاملا مشهود و محسوس است و همین امر خود منجر به ایجاد اختلالاتی شده که نتیجتا منجر به اتلاف منابع در اقتصاد گردیده است. به عنوان مثال، متقاضیان احداث واحدهای صنعتی (به ویژه صنایع کوچک) در برخی موارد آنچنان از بازار ونحوه فعالیت خود کم اطلاع هستند که مشاهده می شود چند طرح مشابه در کنار هم احداث می گردد و یا میزان مجوزهای صادر شده بیش از ظرفیت بازار آن محصول است.

به منظور شناخت برخی موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران که به واسطه حق انحصاری دولت در وضع قوانین و مقررات ایجاد شده است، پنج زمینه به عنوان مهمترین زمینه های دخالت دولت مورد بررسی قرار گرفته که عبارتند از: فرآیند اخذ جواز تاسیس، فرآیند دریافت اعتبار مالی، صادرات و واردات، مالیات و عوارض، قانون کار.

جهت بررسی زمینه های فوق از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است که به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز این روش، از دو روش مکتوب و غیرمکتوب (مصاحبه غیررسمی از افراد) به عنوان دو روش مکمل استفاده شده است. به عنوان مثال، جهت پی بردن به موانع و محدودیت هایی که فرآیند اخذ جواز تاسیس برای کارآفرینان ایجاد می کند، علاوه بر استفاده از منابع مکتوب در این زمینه با برخی از افرادی که درگیر این فرایند بوده مصاحبه های غیررسمی صورت گرفته که خود تایید کننده و تکمیل کننده اطلاعات به دست آمده از منابع مکتوب بوده است.

نتایج به دست آمده از بررسی های انجام شده در زمینه های مورد اشاره حاکی از تایید فرضیات و گمانه های اولیه در زمینه موانع ایجاد شده توسط قوانین دولتی برای کارآفرینان صاحبان صنایع کوچک است.

الف) فرآیند اخذ جواز تاسیس و محدودیت های آن برای کارآفرینان:

جواز تاسیس عبارت است از مجوزی که متقاضی پس از انجام مطالعات و بررسی ها و تکمیل واریه پرسشنامه مربوط به احداث واحد صنعتی (تولیدی، طراحی، مونتاژ، خدمات مهندسی، تحقیقات صنعتی و کشت و صنعت) آن را دریافت کرده و با رعایت ضوابط و مقررات مربوط اقدام به انجام عملیات اجرایی و نصب ماشین آلات می کند. برای دریافت این جواز توسط متقاضی باید مراحل زیر انجام شوند:

۱) بررسی، مطالعه و ارزیابی فعالیت صنعتی به منظور انتخاب نوع فعالیت و محل اجرا.

۲) دریافت پرسشنامه از ادارات کل صنایع استان ها و تکمیل و ارایه آن.

۳) پرداخت ۰/۵ در هزار سرمایه ثابت و حداکثر یک میلیون ریال پس از اعلام نتیجه بررسی اداره کل صنایع.

از جمله مهمترین موانع و محدودیتهایی که کارآفرینان و متقاضیان ایجاد فعالیتهای صنعتی برای اخذ جواز تاسیس با آن مواجه اند می توان موارد زیر را برشمرد:

۱) تغییر دائمی ضوابط و شرایط صدور جواز تاسیسی موجب سردرگمی متقاضیان شده است. به عنوان مثال، فردی پس از مدتی تلاش زمین مناسب و متناسب با ضوابط موجود تهیه می کند، اما پس از مراجعه به اداره کل صنایع متوجه می شود

۴) یکی دیگر از محدودیت‌هایی که جواز تاسیس برای متقاضیان ایجاد کرده، برقراری مقررات و استانداردهای اجباری است. متقاضیان و مدیران صنایع معتقدند که بسیاری از استانداردهایی که وزارت صنایع برای دریافت مجوز تاسیس وضع نموده است متناسب با وضعیت و شرایط کشورهای صنعتی و پیشرفته است. لذا آنان به دست آوردن چنین استانداردهایی را با توجه به شرایط اقتصادی ایران کاملاً غیر ممکن می‌دانند. اینان می‌گویند دولت بدون در نظر گرفتن این وضعیت آنان را مجبور به رعایت چنین استانداردهایی کرده است و از طریق ناظران خود آنها را تحت فشار گذاشته است و چون در اکثر موارد این صنایع نمی‌توانند این استانداردها را رعایت کنند، لذا مدیران مجبوری شوند برای جلوگیری از بستن واحد تولیدی خود نظر مامور مربوطه را به دست آورند تا از عدم رعایت استانداردها چشم‌پوشی کند و همین امر علاوه بر هزینه‌هایی که برای واحد تولیدی دارد، خود به عنوان یک عمل قانون شکنانه عرف می‌گردد. از این رو، به نظر می‌رسد اگر وزارت صنایع در صدد دستیابی به استانداردهای جهانی است از طریق وضع استانداردهای خارج از توان صنایع (به ویژه صنایع کوچک) نه تنها نمی‌تواند منظور خود را بر آورده سازد، بلکه منجر به گسترش فساد اداری و افزایش هزینه‌های واحدهای تولیدی می‌گردد.

ب) فرآیند دریافت اعتبار و موانع آن برای کارآفرینان و صنایع کوچک:

برای دریافت اعتبار از سیستم بانکی، فرد متقاضی باید مدارک زیر را تهیه و به بانک ارائه نماید: جواز تاسیس و اساسنامه شرکت، تصویر سند ملک برای طرح اگر طرح واحد در شهرک صنعتی واقع باشد، قرارداد واگذاری زمین یا سند مالکیت زمین، مجوز آب و برق و گاز و تلفن و گواهی محیط زیست برای واحدهای خارج از شهرک صنعتی، مجوز شهرداری برای واحدهای خارج از شهرک صنعتی، قرارداد احداث ساختمان موسسه، گزارش توجیهی اقتصادی، مالی و فنی، تکمیل پرسشنامه.

درخواست تسهیلات از بانک، سابقه کاری و تحصیلی مدیران پس از تحویل مدارک فوق توسط متقاضی به بانک، کارشناسان بانک به بررسی طرح مورد نظر می‌پردازند. آنها در گام اول به شناسایی متقاضی می‌پردازند. در صورتی که متقاضی از مشتریان شناخته شده و خوش حساب بانک باشد به ضمانت اعتبارش، برای دریافت وام در اولویت قرار می‌گیرد. در گام دوم، طرح از نظر فنی، مالی و اقتصادی ارزیابی کارشناسی می‌گردد. پس از انجام کار کارشناسی طرح در کمیته پذیرش طرح‌ها مجدداً بررسی می‌گردد و تصمیم نهایی برای پرداخت تسهیلات اتخاذ می‌گردد.

پرداخت تسهیلات نیز عموماً مرحله به مرحله صورت می‌گیرد.

در بهترین حالت ممکن، اقدام برای وام از مرحله درخواست تا پرداخت آن دو تا سه ماه زمان می‌برد. کارآفرینان و مدیران صنایع کوچک برای دریافت تسهیلات اعتباری از سیستم فعلی بانکی با مشکلات و محدودیت‌های زیر مواجه‌اند:

۱- یکی از شروط پرداخت تسهیلات اعتباری به متقاضیان فعالیت‌های صنعتی و تولیدی انجام حدود ۳۰ درصد از فعالیت توسط متقاضی است. بدین معنی که متقاضی باید سرمایه مورد نیاز برای پیشرفت ۵۰ درصد فعالیت را داشته باشد و در این صورت است که بانک تقبل درصد سرمایه باقی مانده را می‌کند. اعتبار پرداختی نیز بین تکمیل ساختمان، ماشین‌آلات و مواد اولیه تفکیک شده و مرحله به مرحله به متقاضی پرداخت می‌گردد.

لذا با توجه به اینکه اکثر کارآفرینان و مدیران صنایع کوچک فاقد چنین سرمایه‌ای برای راه‌اندازی هستند، عملاً از دریافت تسهیلات اعتباری بانکی محروم می‌شوند.

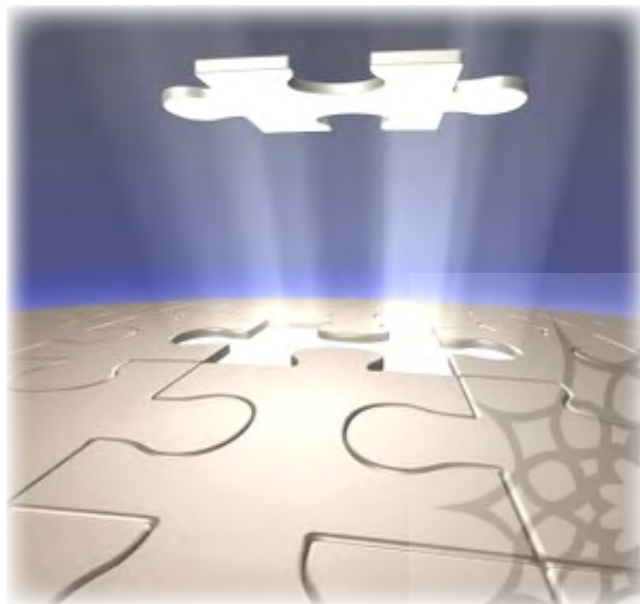
انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات حاکم بر سیستم بانکی موجب شده که بانکها با یک واحد کوچک صنعتی به همان صورتی برخورد کنند که با یک واحد بزرگ صنعتی، در واقع سیستم بانکی در پرداخت تسهیلات هیچ تمایزی بین صنایع کوچک و صنایع بزرگ قائل نمی‌شود.

۲- انعطاف‌پذیری قوانین و مقررات حاکم بر سیستم بانکی موجب شده که بانکها با یک واحد کوچک صنعتی به همان صورتی برخورد کنند که با یک واحد بزرگ صنعتی، در واقع سیستم بانکی در پرداخت تسهیلات هیچ تمایزی بین صنایع کوچک و صنایع بزرگ قائل نمی‌شود. چنین حالتی سبب شده که صنایع کوچک، با توجه به ویژگی‌هایی که دارند، نسبت به صنایع بزرگ در موقعیت بدتر و ضعیف‌تری در کسب تسهیلات بانکی قرار گیرند.

و همین امر با در نظر گرفتن اینکه سرمایه یکی از عوامل اصلی هر فعالیت تولیدی و صنعتی است، خود منجر به کاهش انگیزه فعالیت در عرصه صنایع کوچک شده است. همین سیستم غیر قابل انعطاف نیز موجب شده که هیچ ایده کارآفرینانه‌ای مورد حمایت قرار نگیرد.

تامین نمایند. در مواد ۹ تا ۱۷ نیز نحوه مشارکت بانک از طریق عقود اسلامی نظیر مضاربه، جعاله، فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک ذکر گردیده است. با توجه به موارد فوق، ملاحظه می گردد که بانک پس از بررسی کارشناسی با پرداخت اعتبار در طرح های صنعتی به عنوان یک شریک وارد می شود، لذا بر اساس قوانین حقوق تجارت به مانند یک شریک در سود و زیان فعالیت سهیم است.

در چنین حالتی گرفتن وثیقه علاوه بر اینکه بیانگر اعتماد نداشتن به نظر کارشناسی است، بلکه بیانگر نقض قانون نیز می باشد.



۴- از جمله مواردی که به عنوان یک مانع جهت دریافت تسهیلات بانکی توسط کارآفرینان و مدیران صنایع کوچک مطرح می شود، نرخ سود بالای بانکی است. بر اساس مقررات فعلی حاکم بر سیستم بانکی، نرخ سود تسهیلات اعطایی برای فعالیتهایی صنعتی بیشتر از فعالیتهایی کشاورزی و کمتر از فعالیتهای خدماتی و ساختمانی است. ولی به نظر متقاضیان این میزان سود (در حدود ۱۹ درصد) برای فعالیتهای صنعتی بالاست. همچنان که گفته شد تسهیلات اعطایی بانکها در قالب عقود اسلامی صورت می گیرد و نرخ سود نیز براساس یک کارشناسی و با توجه به نرخ بازگشت سرمایه در بخش صنعتی توسط شورای پول و اعتبار تعیین می شود. ولی از آنجا که سودآوری صنایع کوچک با توجه به محدودیت بازار (بازار اکثر صنایع کوچک محلی است) عموماً در سطح پایینی است، لذا به نظر می رسد تعمیم دادن نرخ بازگشت سرمایه در بخش صنعت به صنایع کوچک چندان از توجیه اقتصادی برخوردار نیست.

مگر زمانی که شرایط دریافت وام از جمله وثیقه و سرمایه اولیه را داشته باشد. در یک حالت کلی می توان گفت: سیستم فعلی بانکی کشور که درحال اجرا است هیچ گونه امکاناتی برای حمایت از صنایع کوچک و کارآفرینان ندارد و این در حالی است که این سیستم بر اساس قانون بانکداری اسلامی بنا شده است. قانونی که یکی از اهداف آن بسیج و تجهیز اندوخته ها و پس اندازهای مردم در جهت تامین شرایط وامکانات کار و سرمایه گذاری است و بانک ها از طریق تسهیلات اعطایی در تامین بخشی یا تمامی سرمایه مورد نیاز فعالیتهایی تولیدی مشارکت می کنند. و اگر بپذیریم که صنایع کوچک از جمله مهمترین فعالیتهای تولیدی هستند که موجب گسترش اشتغال در کشور می شوند، لذا بی توجهی سیستم فعلی بانکی کشور نسبت به پرداخت تسهیلات به صنایع کوچک، در واقع بیانگر نقض هدف اجرای بانکداری اسلامی است.

۳- بانکها برای پرداخت وام از دریافت کنندگان آن، وثیقه اخذ می کنند. وثیقه معمولاً سند ملک یا محل اجرای طرح است. از آنجایی که بانک تضمین پول خود را با اعتقاد برگردشی بودن پول و عدم سکون آن در اولویت قرار می دهد، لذا وثیقه فکری یک کارآفرین وجود خارجی ندارد. یعنی فردی که با ایده جدید خود درصدد افزایش تولید و یا راه اندازی یک فعالیت جدید صنعتی است می بایست مقداری سرمایه اولیه (نزدیک ۵۰ درصد سرمایه کل طرح) و وثیقه قابل قبول داشته باشد تا بتواند از سیستم بانکی تسهیلات اعتباری دریافت کند. با توجه به اینکه بانک زمانی اقدام به پرداخت اعتبار می کند که طرح پیشنهادی توسط کمیته کارشناسی و پذیرش طرح ها از نظر گزارش توجیهی مالی (هزینه ها و درآمدها)، فنی (فناوری و امکان عملی شدن آن) و اقتصادی (در نظر گرفتن بازار و فروش) مورد تایید قرار گرفته باشد، لذا به نظر می رسد گرفتن وثیقه معتبر و قابل قبول توسط بانک از متقاضیان (به ویژه کارآفرینان و مدیران صنایع کوچک) ماهیتاً رد نظر کارشناسی کمیته پذیرش طرح ها است. زیرا هنگامی که کمیته کارشناسی طی یک فرایند زمانی حدود یک ماه و نیم پس از بررسی های کارشناسی به این نتیجه می رسد که طرح از نظر فنی، اقتصادی و مایل قابلیت اجرا دارد و آن را تایید می کند، گرفته وثیقه در واقع نوعی قبول نظر کارشناسان بانک است و این زمانی بیشتر مشخص می شود که بدانیم تسهیلات اعتباری بانکی در چارچوب قانون بانکداری اسلامی و در قالب عقود اسلامی پرداخت می شود. بر اساس ماده ۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ماه ۱۳۶۲ بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخش های مختلف تولیدی و بازرگانی و خدماتی قسمتی از سرمایه و یا منابع مورد نیاز آنی بخش های را به صورت مشارکت

پ) موانع مقررات صادرات و واردات برای کارآفرینان و صنایع کوچک:

مهمترین موانعی که مقررات صادرات و واردات برای بنگاه‌های صنعتی به ویژه بنگاه‌های کوچک ایجاد می‌کند عبارت است از:

۱- بسیاری از صاحبان واحدهای تولیدی و کارآفرینان، به ویژه صادرکنندگان معتقدند که قانون بد ولی با ثبات بهتر از قانون خوب ولی بی ثبات است. برخی از سرمایه‌گذاران و کارآفرینان با برشمردن مواردی از بی ثباتی و متغیر بودن قوانین وارداتی معتقدند که عامل مهمی که به سرمایه‌گذاری و مساله اشتغال لطمه وارد می‌کند و انگیزه فعالیت تولیدی را از بین می‌برد، قوانین و مقررات متغیر است. از دیگر اثرات منفی بی ثباتی قوانین و مقررات در زمینه صادرات، از بین رفتن اعتبار صادرکنندگان است. بسیاری از صادرکنندگان اظهار می‌کنند که عدم ثبات قوانین و مقررات موجب عدم انجام تعهد صادرکنندگان به قراردادهای منعقد با طرف‌های خارجی است. عدم انجام تعهد نیز موجب از بین رفتن اعتبار و آبروی صادرکنندگان در میان خریداران خارجی می‌گردد.

۲- از نظر کارآفرینان و صاحبان واحدهای تولیدی دریافت ارز جهت واردات مستلزم مجموعه‌ای از تشریفات اداری طولانی و صرف زمانی قابل توجه است. اینان اظهار می‌دارند که علیرغم اینکه با کمبود نقدینگی مواجه اند ولی بانک مرکزی برای گشایش اعتبار اسنادی با کندی عمل می‌کند. لذا سرمایه در گردش واحدهای تولیدی به ویژه واحدهای کوچک که از سرمایه کمتری برخوردارند جهت واردات مواد و قطعات مورد نیاز در سیستم بانکی حبس می‌گردند. از طرف دیگر واحدهای تولیدی که امکان صادرات محصولات خود را دارند به دلیل فقدان تشکیلات لازم و منسجم و عدم هماهنگی بین نهادهای دست اندرکار و مرتبط با صادرات و همچنین ناکارایی سازمان‌های مربوطه گاهی برای ارسال یک محموله صادراتی ناچار به رفت و آمد زیاد در سازمانهای دولتی و پرداخت هزینه‌های جانبی می‌شوند و همین امر آنها را با دودلی ویرگشت از نیمه راه مواجه می‌کند.

برخی از صادرکنندگان اظهار می‌کنند که سازمانهای مرتبط با صادرات نه تنها همکاری لازم را جهت انجام امور اداری با آنان نمی‌کنند بلکه هر سازمان در جهت کسب درآمد یک قانون و یا ضابطه جدیدی را برای آنان به مورد اجرا می‌گذارد و یا بر اساس سلیقه‌های شخصی به انجام امور روزانه خود می‌پردازد.

۳- یکی از مهمترین مقولات مرتبط با صادرات و واردات کالاها و خدمات که فراروی صاحبان واحدهای تولیدی به ویژه واحدهای کوچک مقیاس و کارآفرینان قرار دارد، ارز و نرخ آن است. در مراجعه حضوری به برخی از واحدهای تولیدی کوچک

که به نوعی با امر صادرات و واردات دست به گریبان بودند، در رتبه بندی مشکلات خود در این زمینه، ارز و تعیین نرخ آن از سوی دولت (بانک مرکزی) را یکی از سه مشکل اصلی خود برشمردند. اینان اظهار کردند که بی ثباتی در نرخ ارز هرگونه امکان برنامه ریزی میان مدت و بلند مدت تولیدی را از آنان سلب کرده است. همچنین این بی ثباتی موجب شده که آنان به راحتی به ارز مورد نیاز خود دسترسی پیدا نکنند و یا آن را با هزینه بسیار بالاتر از آنچه که هست به دست آورند که همین امر طبعاً هزینه‌های تولید و قیمت تمام شده کالا را افزایش می‌دهد.

۴- عدم وجود تخصیص کافی و یا فقدان آشنایی کارکنان و متصدیان امر صادرات در نهادها و سازمانهایی که در امر صادرات دخیل هستند.

بخش تولید و صنعت اقتصاد ایران به دلیل فقدان قوانین صحیح مالیاتی و با توجه به وابستگی واحدها به مکان و داشتن دفاتر و اسناد جامع و کامل بیش از سایر بخش‌ها مالیات پرداخت می‌کند. لذا کارآفرینان و صاحبان واحدهای کوچک از جمله موانعی که بر سر راه ایجاد و توسعه کسب و کار خود بر می‌شمارند قوانین مالیاتی و نحوه اجرای آن است.

در این قسمت برخی از مهمترین موانع و مشکلاتی که نظام مالیاتی ایران برای صنایع کوچک و کارآفرینان ایجاد می‌کند ارایه می‌گردد.

۱- ملاک دریافت مالیات از بنگاه‌های اقتصادی فقط بر اساس میزان درآمدی ایزاری (یا تشخیصی) می‌باشد و نوع فعالیت و یا اندازه بنگاه تأثیری در تعیین مالیات ندارد. یعنی بر اساس قانون فعلی مالیات، کوچکی یا بزرگی بنگاه و نیز تجاری (بازرگانی) یا تولیدی بودن فعالیت مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فراهم کردن چنین تمایزی می‌تواند یکی از عوامل بستر ساز جهت تشویق فعالیتهای کوچک تولیدی باشد.

۲- از جمله مشکلاتی که سیستم مالیاتی ایران برای صاحبان واحدهای کوچک ایجاد می‌کند مشکلات ناشی از وصول مالیات است که خود ناشی از نواقص و پیچیدگی‌های قانون مالیات‌های مستقیم در زمینه شیوه وصول مالیات می‌باشد. به نظر کارشناسان برای نظام اجرایی، یعنی سیستم سازمان تشخیص و وصول مالیات، ماموریت مشخصی تعریف نشده است و عملاً تفکر حاکم بر نظام، دریافت هر چه بیشتر مالیات بدون توجه به توانایی‌های پرداخت کننده است.

در شیوه فعلی وصول مالیات در ایران به دلیل فقدان نهادهای واسطه (نظیر حسابداران معتمد) مودیان و ممیزان در تماس مستقیم با یکدیگرند و این خود مشکلات زیادی را ایجاد کرده است و از آنجا که حجم کار تشخیص مالیات بسیار زیاد است و کادر رسمی وزارت دارایی محدود، لذا هر ممیز ناچار است ۶۰ تا ۷۰ شرکت یا شغل را رسیدگی کند.

قرارداد را فسخ کند. ماده ۲۷ هم که اجازه فسخ قرارداد کار را به کارفرما داده. مشروط به این است که کارفرما در مراجع صالحه (هیات های حل اختلاف) ثابت کند که کارگر در انجام وظایف محوله قصور ورزیده و یا آیین نامه هایی انضباطی کارگاه را پس از تذکرات کتبی نقض کرده است. البته این هم خود مشروط به کسب نظر مثبت شورای اسلامی کار است.

۲- قانون کار در زمینه اجرای تکالیف قانون هیچ تفاوتی بین بنگاه های کوچک یا بنگاه های متوسط و بزرگ قائل نشده است و تمام بنگاه ها با یک ضابطه و یک نگرش مشمول تکالیف قانونی شده اند. در حالیکه بخشی از تکالیف قانون کار در بنگاه های کوچک قابل اعمال نیست.

از جمله می توان به اجرای تکالیف ساخت مسکن برای کارگران، تامین خدمات حمل و نقل، کمک به تعاونی ها، سوادآموزی، تاسیس مهد کودک و ساخت ورزشگاه اشاره کرد که حتی توسط بنگاه های بزرگ و متوسط به دلیل هزینه بر بودن آنها، یا اجرا نشده و یا به صورتی رنگ باخته اجرا شده است.



۳- قانون کار در بعضی موارد به حوزه هایی وارد شده است که در نتیجه آن دست کارفرما در استفاده از ابزارهای مدیریتی برای تنظیم نیروی کار و اداره بنگاه بسته می شود.

به عنوان مثال، قانون کار کارفرمایان را مکلف کرده است که نظام طبقه بندی مشاغل را در کارگاه خویش تنظیم کنند و مقررات آن را به تایید وزارت کار برسانند و چنانچه به تکلیف خود عمل نکنند وزارت کار راسا به انتخاب مشاور و انجام طبقه بندی خواهد پرداخت.

از این رو ممیزان به علت حجم بسیار زیاد کار، بیشتر تمایل دارند که مساله را با تشخیص علی الراس حل و فصل کنند، و این خود از دقت کافی برخوردار نیست و در غالب موارد مورد پذیرش مودیان قرار نمی گیرد که در نتیجه در یک فرآیند اداری موجب جنگ و گریزی بین مودی و ممیز می گردد که نهایت آن ایجاد هزینه و اتلاف وقت برای واحدهای کوچک تولیدی است.

۳- از دیگر مشکلاتی که بخش صنعت بطور عام و صنایع کوچک بطور خاص در زمینه مالیات ها با آن دست به گریبان است، تعدد پرداختهایی تحت عناوینی نظیر مالیات، عوارض و امثال آن است که می توان آنها را به عنوان مانعی بازدارنده برای صنایع (صنایع کوچک) محسوب کرد.

۴- بر اساس قانون مالیات های مستقیم که مبنای عمل دستگاه مالیاتی کشور است از اشخاص حقیقی (افراد) و بنگاه ها (شرکتها) به صورت یکسان مالیات گرفته می شود به نحوی که جدول مالیاتی یکسان دارند (ماده ۱۳۱) در صورتی که میزان درآمد دریافتی برای هریک از اشخاص فوق معانی متفاوتی دارد. به عنوان مثال، برای یک فرد ۵۰۰ میلیون ریال درآمد در سال درآمد بالایی است.

در حالی که چنین درآمد برای یک شرکت تولیدی یا بازرگانی رقمی قابل اغماض است. از این رو، به نظر می رسد که باید مبنای درآمد اشخاص با شرکتها عوض گردد، یعنی مالیات بنگاه ها بر اساس جدولی متفاوت از جدول اشخاص تعیین گردد.

د) قانون کار و موانع آن برای کارآفرینان:

به نظر برخی از صاحب نظران اقتصادی و مدیران بنگاه های تولیدی و خدماتی، قانون کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران مصوب آبانماه ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام که با هدف توجه به کرامات انسانی و نیل به عدالت اجتماعی و پاسخگویی به اکثریت قریب به اتفاق مسایل و مشکلات کارگری، ایجاد شرایط و روابط مناسب در محیط کار و ارزش دادن به کارگر تصویب شده است، طی مدتی که از اجرای آن می گذرد با ضعف ها و کاستی هایی که دارد یکی از موانع مهم فراروی بنگاه های اقتصادی است، لذا نیاز به اصلاح دارد.

در این قسمت سعی میگردم مواد و بخش هایی از قانون کار فعلی که به نظر می رسد مانعی در برابر کارآفرینان و مدیران بنگاه های تولیدی و خدماتی است ارایه گردد:

۱- بررسی مواد قانون کار ایران نشان می دهد که در زمینه فسخ قرارداد کار شرایط ناعادلانه ای بین کارگر و کارفرما به نفع کارگر برقرار است.

در هیچ یک از مواد قانون به جز ماده ۲۷ اجازه فسخ قرارداد کار به کارفرما داده نشده است.

ولی در مقابل کارگر می تواند، حداکثر با اعلام استعفای خود پس از یک ماه، که در ۱۵ روز اول هم قابل برگشت است،



در واقع قانون کار با تعیین این تکلیف برای کارفرما، از حدود تنظیم روابط کار خارج شده و به مقوله نظام استخدامی کارگاه نیز پرداخته است و بدین ترتیب یکی از ابزارهای مدیریتی برای تنظیم نیروی انسانی را از کارفرما سلب کرده است.

۴- طبق ماده ۲۶ قانون کار، مدیران واحدهای تولیدی و خدماتی از جابجایی کارگر منع شده اند و این امر امکان تبدیل تدریجی مشاغل کم بازده به پربازده را از کارفرمایان و مدیران سلب می کند.

ه) جمع بندی:

ایده های کارآفرینی زمانی می تواند بر تولید، اشتغال و بهره وری عوامل تولید بنگاه اثر بگذارند که شرایط اجرای آنها فراهم گردد. از جمله پایگاه های مناسب جهت کاربردی کردن ایده های کارآفرینی، بنگاه های کوچک تولیدی و خدماتی است. شرط اینکه یک بنگاه کوچک بتواند ایجاد و راه اندازی گردد و سپس با اجرای ایده های کارآفرینی فعالیت خود را تداوم بخشد و از این طریق امکان رشد و توسعه را بیابد، فراهم بودن بسترهای لازم در عرصه اقتصاد کشور است. از جمله نهادهایی که بر بسترسازی فعالیتهای اقتصادی نقش بارز و بی چون و چرای دارد، نهاد دولت است. دولت با استفاده از حق انحصاری خود در وضع قوانین و مقررات آثار زیادی بر روابط و فعالیتهای کارگزاران و بازیگران عرصه اقتصاد دارد. این ابزار دولت قانون گذاری می تواند نقشی مانند شمشیر دولبه داشته باشد. اگر درست به کار گرفته شود بسترها و شرایط فعالیت و رقابت در عرصه اقتصادی را تسهیل و مهیا می کند و اگر به نادرستی به کار گرفته شود، می تواند به عنوان مانع برای بازیگران اقتصاد عمل کند. شواهد موجود و بررسی های انجام شده در زمینه اقتصاد ایران بیانگر این است که قوانین و مقررات وضع شده توسط دولت در عرصه اقتصاد نه تنها بسترهای مناسب برای فعالیت های کارآفرینی و تولیدی را فراهم نکرده است، بلکه قوانین و مقررات وضع شده به عنوان مانعی جهت رشد کارآفرینی در صنایع کوچک و در نتیجه رشد و توسعه صنایع کوچک در اقتصاد ایران عمل کرده است. در این مقاله، همچنانکه ملاحظه شد، برخی از موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک در پنج زمینه راه اندازی کسب و کار، قانون کار، اعتبارات بانکی، مقررات صادرات و واردات و مالیات و عوارض ارایه گردید. این موانع به همراه ضعف دولت ایران در انجام وظایف اصلی و اولیه نظیر تضمین حقوق مالکیت تامین ثبات کلان اقتصادی، فراهم کردن کالاهای عمومی، دست در دست هم موجب تهی شدن ذخیره کارآفرینی بنگاه های کوچک، به ویژه صنایع کوچک به عنوان پایه های عمده توسعه ملی شده است.

منبع: ماهنامه کارآفرینان

**شرط اینکه یک بنگاه کوچک بتواند
ایجاد و راه اندازی گردد و سپس با اجرای
ایده های کارآفرینی فعالیت خود را
تداوم بخشد و از این طریق امکان رشد و
توسعه را بیابد، فراهم بودن بسترهای
لازم در عرصه اقتصاد کشور است.**

۵- قانون کار دست کارگران را در جابجایی آزاد گذاشته است و همین امر یک مشکل اساسی را برای صاحبان و مدیران واحدهای تولیدی و خدماتی ایجاد کرده است. بدین صورت که اگر کارفرمایی در راستای افزایش بهره وری کارکنان خود و همچنین افزایش کیفیت محصولات و خدمات تولیدی اقدام به آموزش نیروی کار بکند و هزینه ای صرف آن کند، آنگاه کارگر به محض پایان آموزش درخواست افزایش حقوق کند ولی کارفرما نپذیرد. کارگر با آزادی که قانون کار به وی داده است می تواند بدون توجه به هزینه ها و زمان صرف شده برای آموزش به سرعت جابجا و در واحد دیگری که دستمزد بیشتری می پردازد مشغول بکار شود. این موضوع طبیعتاً انگیزه کارفرمایان را برای آموزش نیروی کار کاهش خواهد داد و در نتیجه روی بهره وری اثر منفی خواهد گذاشت. در پایان، با توجه به موارد فوق، می توان گفت که با تکالیف و مسئولیت هایی که قانون کار برای کارفرما در برابر نیروی کار تعیین کرده است هزینه و ریسک به کارگیری نیروی کار در اقتصاد ایران بسیار زیاد است. لذا انگیزه کارآفرینان و سرمایه گذاران را در استفاده از فناوری های کاربر و در نتیجه بکارگیری نیروی کار کاهش داده است.